

## «میکونوس» خلاهای حقوقی - نمایشهای سیاسی

امنیت آلمان قرار دارد که در طول محاکمه در یک جنگ زرگری چند ساله، افکار عمومی را سرگرم می‌کنند.

بر اساس ادعای دادستانی آلمان، نام وزیر اطلاعات ایران از ۷۴/۹/۱۹ به عنوان کسی که دستور قتل را صادر کرده به میان می‌آید و بدون هیچ توضیحی، مقامات رسمی یک کشور و در نتیجه یک دولت از سوی دادگاه داخلی کشوری که مدعی پاسداری از حقوق بین‌الملل و حق حاکمیت دولتهاست، متهم شده و ناجوانمردانه به محاکمه‌ای یکطرفه کشیده می‌شود. در ۷۴/۱۲/۲۵ دادستانی آلمان وقیحانه و بدون در نظر گرفتن هیچ اصل و قاعده بین‌المللی حکم بازداشت وزیر اطلاعات ایران را صادر می‌کند و دیوان عالی و دادگستری این کشور که قبل از

دادگاه آغاز شد. دادستان آلمان در متن کیفرخواست به گونه‌ای ناباورانه جمهوری اسلامی ایران را متهم به زمینه‌چینی این قتل کرده و همین امر بهانه‌ای بدست جناحهای صهیونیستی مستقر در بخش‌های رسمی و غیر رسمی آلمان می‌دهد که روابط جدی ایران و آلمان را تحت فشار قرار دهند.

بر این اساس جناح‌بندی جنجال برانگیزی به صورت ظاهری بین مقامات رسمی آلمانی آغاز می‌شود که نزدیک به چهار سال خوراک رسانه‌های غربی را فراهم می‌کند. در یک جبهه (طرف دولتی) وزارت دادگستری آلمان، وزارت خارجه، سازمان اطلاعات و امنیت آلمان (بی‌ان‌دی)، و در سوی مقابل دادستانی آلمان و اداره حفاظت از قانون اساسی و سازمان

۲۶ شهریور ماه سال ۱۳۷۱، ساعت ۲۲:۵۰ رستوران یونانی «میکونوس»، خیابان پسرک - برلین. دو مرد نقابدار مسلح وارد سالنی می‌شوند که جمعی چند نفره از اپوزیسیون ایرانی و از جمله آنها یک رهبر کرد شورشی گرد آمده‌اند و سرگرم گفتگو هستند. نقابداران به روی این جمع آتش می‌گشایند و در نتیجه این حادثه چهار تن کشته و یک تن مجروح می‌شوند. نیروهای امنیتی آلمان در این ارتباط پنج تن را به اتهام مشارکت در قتل دستگیر می‌کنند که از میان آنان یک تن بنام «دارابی» تابعیت ایرانی و چهار تن دیگر لبنانی‌الاصل هستند.

محاکمه‌ای که در آغاز به نظر نمی‌رسید این چنین طولانی و جنجالی شود، از آذرماه ۷۲ در

آن مخالف کشیده شدن پای مقامات یک کشور خارجی به صحنه دادرسی متهمان بودند نیز بر این حکم صحه می‌گذارند و گفته می‌شود که این حکم، تنها ضمانت اجرایی داخلی دارد!! کیفرخواست تنظیمی به دادگاه برلین ارائه شده و در مدت دادرسی وقایعی رخ می‌دهد که به نظر ما، روشنگر ماهیت واقعی یک دادرسی عجیب، آن هم در مهد تمدن غربی است.

این دادرسی پرماجرا تا ۲۱ فروردین ماه ۷۶ و تا صدور رأی قطعی دادگاه برلین که در چند مرحله به تعویق افتاده بود، ادامه داشت و در طول آن میلیون‌ها کلمه خبر و تحلیل طی هزاران ساعت به روی آنتن رسانه‌های بیگانه رفت. حاصل این دادرسی، صدور رأی مجازات پنج متهم (که تا پایان منکر اتهامات بودند) و یک شرح مفصل است که توسط قاضی دادگاه قرائت شد و همچنین بیانیه انتشار مطبوعاتی دادگاه را در پی داشت که به صورتی مفصل تر، داستانی جنایی را با اظهار نظرهای صریح سیاسی و به صورتی کینه‌توزانه ارائه می‌نمود. این دادرسی و نتیجه آن آنچنان برای دستگاه قضایی آلمان اهمیت دارد که بیش از ۲۰۰ جلسه دادگاه با حضور شش قاضی و ۱۱ وکیل مدافع و دو دادستان و سه شاکی خصوصی تشکیل و به برآورد کارشناسان، هر جلسه پنجاه هزار مارک آلمان هزینه دربرداشته است.

آنچه آمد، سیر بسیار اجمالی و به اصطلاح ژورنالیستی این ماجرا (و نه دادرسی اصطلاحی) است که اتفاقاً به دلیل بهره‌مندی از دست‌مایه‌های جنایی، سیاسی و ژورنالیستی در نوع خود بسیار هم جذاب و مخاطب‌پسند بود و به همین دلیل به دنبال خود کارناوالی راه انداخت که لااقل برای چند روزی مسئولان ما را به زحمت انداخت؛ و در آن طرف مرزها هم چند صباحی دلخوش‌کنکی برای ضد انقلابیون

آلت دست بیگانه فراهم کرد که پس از مدت‌ها خوش رقصی برای غرب در خیابان‌ها برای چند روزی هم که شده رقص و پایکوبی کنند و درد غربت و بی‌خاصیت بودن خود را التیام بخشند. اما برای کارشناسان و ناظران بی‌طرف و آگاه و حتی آن دسته از مردمی که اندکی عمیق‌تر به این‌گونه وقایع و این قبیل رخدادها

### در حقوق بین‌الملل مکانیسم و شیوه خاصی برای محاکمه دولت‌ها در مورد نقض مقررات بین‌المللی پیش‌بینی شده است.

می‌نگرند بسیاری از چراهایی پاسخ‌مانند، چراهایی که چون همیشه در پس پرده بمباران‌های تبلیغاتی پنهان‌مانند. مهمتر آنکه پس از صدور رأی دادگاه برلین جامعه حقوقی جهانی و کارشناسان قضائی که از هر گروه دیگر منصفانه‌تر و با جدیت به قضایا می‌نگرند، انتظار داشتند که این رأی پر هزینه با نتایج و تبعاتی به این گستردگی مستندات و دلایل متقن و به اصطلاح محکمه‌پسندی داشته باشد تا افکار قضایی بین‌المللی را مجاب کند. اما در نهایت شگفتی شاهد آن بودند که سست‌ترین دلایل و واهی‌ترین شیوه و آیین رسیدگی دست‌بده هم داده و به پشتوانه هیاهوی تبلیغاتی و شانتاژهای سیاسی، بیانیه‌ای سیاسی را به جای یک رأی به خورد جهانیان می‌دهد.

ما به دور از هرگونه جانبداری سیاسی و عوام‌نگری و با پرهیز از انفعال و افتادن به دام سطحی‌نگران، در صددیم تا در این مقال برخی لایه‌های مبهم این دادرسی را که از نظر پنهان‌مانده است برجسته کرده و مدعی شویم آنچه در دادگاه برلین گذشت به اندازه‌ای از واقعیت حقوقی و اصول و قواعد قضایی دور بود که اگر در بدوی‌ترین و ضعیف‌ترین نظام‌های حقوقی

داخلی رخ می‌داد، مبتدیان حقوقی راهم شگفت‌زده می‌کرد.

ما در این مختصر هر چند بنا نداریم از قلمرو حقوق خارج شویم و کوشیده‌ایم تا حد امکان پا از این گلیم فراتر نگذاریم، اما از آنجا که مدعی هستیم مسببان از ابتدا جریان دعوا را به سمت و سویی هدایت کرده‌اند که سیاست‌زدگی و تأثیرپذیری خارجی برجای این محاکمه سایه افکنده، ناگزیریم نشان دهیم که رأی دادگاه نیز نتیجه‌ای از پیش تعیین شده بود که در طول این محاکمه طولانی تنها دست‌بده می‌شد و در پوششی زیرکانه از آیین دادرسی و آداب و تشریفات قانونی برای حفظ ظاهر پنهان بود!

در این بررسی ناگزیریم در مسند قضاوتی درست، زمینه‌ها و لایه‌های سیاسی را از ماهیت دعوی تفکیک و بیان کنیم، تا میزان اثرگذاری این زمینه‌ها و عوامل بیرونی بر فضای دادرسی روشن شود و از سویی دیگر خلأها و نواقص رسیدگی حقوقی دادگاه را که از قضا بسیار هم فاحش می‌باشد بیان نمائیم، تا ناظران و کارشناسان آگاه رانسیبت به انحراف خطرناک و غیر قابل اغماضی که در حقوق بین‌الملل در حال رخ دادن است و ترسیم مدل قابل تکراری را در محاکم کشورهای دیگر تشویق می‌کند، هشدار دهیم.

### الف - بررسی صلاحیت دادگاه و ایرادات شکلی

۱- در حقوق بین‌المللی جدید هر چند مباحثی چون حقوق بشر، دعوای فرد در برابر یک دولت، دعوای مربوط به سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیک، محیط زیست و تروریسم به صورت جدی مورد توجه حقوق‌دانان و محافل حقوقی بین‌الملل واقع شده است؛ اما بجز چند کنوانسیون و تفاهم‌نامه که به صورتی کلی به این مسایل می‌پردازد، در

مورد جزئیات و حتی بیان مفاهیم، اتفاق نظر وجود ندارد. این اختلاف امروزه به اندازه‌ای تشدید شده که بهره برداری‌های سیاسی متعددی از آن می‌گردد و دستاویزی برای منزوی ساختن دولتهایی گردیده که خواهان استقلال و تعیین سرنوشت خود هستند. به همین دلیل دعاوی مربوط به اینگونه موضوعات هنوز دعاوی نوپایی هستند که نحوه رسیدگی و مراجع آن به روشنی مشخص نشده است؛ دادگاه برلین چه تفسیری از «تروریسم» دارد که بسیاری از جنایات از جمله آدم ربایی و نسل کشی آمریکا و اسرائیل را در سراسر جهان که از نمونه‌های بارز «تروریسم دولتی» هستند از مصادیق «تروریسم» نمی‌شمرد، اما جمهوری اسلامی را با استناد به اظهارات واهی چند «تروریست» فراری، «تروریست دولتی» می‌شمرد. (۱)

۲- در حقوق بین‌الملل مکانیسم و شیوه خاصی برای محاکمه دولت‌ها برای نقض مقررات بین‌المللی پیش بینی شده است که از پذیرفته‌شده‌ترین مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل است.

یکی از بدیهی‌ترین این شیوه‌ها مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه است. به گفته رسانه‌های غربی این نخستین بار بود که دولتی در یک دادگاه داخلی محاکمه می‌شد، مقامات آلمانی نیز با آگاهی از این امر بسیار کوشیدند تا جریان محاکمه این پنج متهم را به محاکمه دولت ایران ربط ندهاده و دچار این تناقض نشوند. قاضی آلمانی در شرح حکم صادره اعلام می‌کند «اینجا دولت جمهوری اسلامی ایران محاکمه نمی‌شود» اما کدام باور سالم حقوقی است که بپذیرد آثار و تبعات این محاکمه از همان ابتدا و حتی حکم و شرح آن و بیانیه مطبوعاتی آن دولت ایران را هدف آماج تهمت‌ها قرار نداده است.

کای نهم، دادستان آلمان، هنگامی که در این مورد از او سؤال می‌شود دم خروس خود را آشکار می‌کند و می‌گوید: «البته تحت تعقیب قرار دادن عضوی از یک دولت خارجی (آقای فلاحیان) کاری روزمره نیست و امکان انصراف از این تعقیب‌ها



پیش‌بینی شده است و در صورتی که تعقیب عضوی از یک دولت برای آلمان زبانی سنگین و یا خطری در برداشته و یا به نحو چشمگیر در تضاد با منافع عمومی کشور باشد می‌توان از آن صرف‌نظر کرد.» مطبوعات آلمانی در همان زمان نوشتند «این امر نادری است که علیه وزیر دستگاه امنیتی یک کشور دستور بازداشت صادر می‌شود.»

۳- به نظر ما رأی می‌کونوس به دلیل اصل «منحصر بودن متهمان» و عدم ایراد اتهام به شخص ثالث (دولت ایران) فاقد ارزش حقوقی است. به نوشته نشریه امور قضایی چاب سیدنی «دولت ایران در حالی محکوم می‌شود که نه در

دادگاه وکیل داشت و نه جرم او به‌او اعلام شده بود و نه می‌دانست برای چه محاکمه می‌شود.» به گفته وزیر امور خارجه کشورمان «این محاکمه محاکمه‌ای منحصر به فرد است که دولتی را غیابی محاکمه می‌کنند.»

۴- دادرسی می‌کونوس مغایرت صریح با اصول حقوق بین‌الملل عمومی بخصوص «اصل مصونیت قضایی دولتها» داشت. قواعد حقوق بین‌الملل عمومی مقرر می‌دارد، محاکم داخلی دولت‌ها صلاحیت رسیدگی به دعاوی علیه کشورهای دیگر را ندارند این موضوع در کنوانسیون «مصونیت قضایی دولتها» (م ۱۹۷۲) و از آن مهمتر در ماده ۲۵ قانون اساسی آلمان تصریح شده است. (۲)

۵- اصل «استماع دفاعیات متهم» و یا وکیل متهم اصل پذیرفته شده حقوقی، هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین‌المللی، است. در دادگاه می‌کونوس هیچ امکان دفاعی به دولت ایران داده نشد و دفاعیات هیچ وکیلی از سوی کشورمان استماع نگردید، این در حالی بود که به همه مخالفان ایرانی مقیم خارج، اجازه حضور در دادگاه داده شده بود.

۶- با مطالعه تمام دلایل و مستندات ارائه شده از سوی دادگاه در جریان رسیدگی و نیز رأی و شرح و بیانیه قضات، این نکته روشن می‌شود که جدی‌ترین و قوی‌ترین مستند دادگاه در صدور رأی اظهارات شهود (بویژه شاهد موسوم به شاهد سی) بوده است. این شاهد، چنانکه توضیح داده خواهد شد، بارها از سوی جمهوری اسلامی ایران «جرح» گردید و رسماً اعلام شد که وی فردی با سوابق سوء کیفری است. لیکن علی‌رغم پذیرفته شدن اصل مسلم «جرح شهود» که می‌تواند جریان اظهارات را بی‌اعتبار کرده و دادگاه را منزه به جستجوی دلایلی دیگر کند و لاقبل منجر به تأخیر در جریان دادرسی گرداند، دادگاه

همچنان جریان رسیدگی را تا پایان بر مبنای اظهارات شهود ادامه داده و در کمال شگفتی در رأی خود نیز عیناً این اظهارات قابل تردید را مورد استناد قرار می‌دهد. از سوی دیگر علی‌رغم «اصل بی‌طرفی شهود» این شاهدان از میان کینه‌توزترین مخالفان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور گزینش شده بودند که میزان عناد آنها با نظام اسلامی بر هیچ کس پوشیده نبوده است.

**در دادگاه میکونوس هیچ امکان دفاعی به دولت ایران داده نشد... این در حالی بود که همه مخالفان ایرانی مقیم خارج، اجازه حضور در دادگاه داده شده بود.**

۷- دادگاه میکونوس علی‌رغم ادعای مقامات آلمانی مبنی بر استقلال قضایی از دستگاه اجرایی کشور و نیز فشارهای خارج از دادگاه، در جوی شدیداً مسموم که توسط یک حرکت سازمان یافته متحد که از گروه‌های مختلف ضد انقلابیون مقیم خارج از کشور و گروه‌های فشار صهیونیستی ایجاد شده بود جریان دادرسی را دنبال می‌کرد که آثار منفی آن در جریان محاکمه و حتی رأی و شرح رأی صادره منعکس است. در این میان حزب سبزها و سوسیال دموکرات‌های آلمان و جناح بنی صدر و منافقین گوی سبقت را ربودند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم حق مسلمی که به عنوان یک طرف دعوی داشت، در معقولانه‌ترین اظهار نظرها و واکنشها، همواره کوشید تا در طول دادرسی و حتی تا روز قبل از رأی نهایی، دادرسی را به سوی فضای صحیح حقوقی و قضائی هدایت کند، تا جایی که ۴۸ ساعت پس از صدور پیگرد بین‌المللی علیه وزیر اطلاعات کشورمان، سخنگوی وزارت

خارج کشورمان در اولین واکنش خواستار رسیدگی سریع، دقیق و عادلانه به پرونده شده و خواهان رفع سوء تفاهات و اتهامات می‌شود. سفیر ایران در آلمان نیز بارها در طول مرحله دادرسی تأکید می‌کند که مقامات امنیتی کشورمان آمادگی هرگونه همکاری را برای روشن شدن قضایا دارند و حتی در مواردی همکاری‌های صمیمانه‌ای برای روشن شدن قضایا صورت می‌گیرد. در همین ارتباط بود که ریاست محترم قوه قضائیه کشورمان پس از صدور این حکم اظهار داشتند: «هرچند ما توانایی اقدام مشابه راداریم ولی این کار را صحیح نمی‌دانیم» و نیز علی‌رغم جنجال‌های مخالفان مبنی بر تهدید مقامات قضایی از سوی ایران، مقامات رسمی قضایی آلمان بارها این نکته را تکذیب کرده و می‌گویند هیچ خطری آنان را از سوی جمهوری اسلامی ایران تهدید نمی‌کند. در آخرین موضعگیری مقامات کشورمان در روز قبل از اعلام رأی، تضمین‌های لازم را به دولت آلمان داده و بدینوسیله نشان دادند که علی‌رغم مرتبط نبودن اتهامات، مایلند جریان رسیدگی، روند سالم خود را تا رسیدن به نتیجه نهایی طی کنند.

## ب - ایرادات ماهوی (نقد مستندات و دلایل رأی و...)

۱- صدور حکم بازداشت وزیر اطلاعات کشورمان براساس اظهارات دادستان آلمان بر مبنای اظهارات شهود و مدارک دیگر صادر شده است (هرچند مشخص نگردید این مدارک دیگر چیست). از تاریخ ۷۵/۵/۳۱ و با ملاقات محرمانه بنی صدر با دادستان آلمان و همچنین با حضور بنی صدر در دادگاه برلین هدف اتهامات به گونه‌ای عجیب تغییر می‌کند و علاوه بر قرار بازداشت وزیر اطلاعات، نامه مقامات عالی‌رتبه کشورمان نیز مطرح می‌شود که تا آن زمان در هیچ اعلام رسمی مقامات قضایی

آلمان مطرح نبوده است. ادعاهای مزبور در رأی و شرح رأی صادره هم تکرار می‌شود. این امر نشان می‌دهد که رأی تنها به استناد اظهارات واهی شهودی صادر شده است که مقبولیت قضایی ندارند و گفتارشان پر از تناقض‌های آشکار است، توضیح آنکه:

الف - اصلی‌ترین شهودی که در جریان دادرسی مطرح و استماع شده، شخص بنی صدر رئیس جمهور فراری ایران است که خود «شاهد موسوم به بی و سی» را به دادگاه معرفی می‌کند. بنی صدر خود به دلیل بسدی‌ترین جرایم بین‌المللی یعنی هواپیمارمایی در سال ۱۹۸۱ و مشارکت در ترور هزاران نفر در داخل کشورمان، که مدارک آن به مراجع ذیصلاح داده شده، صلاحیت شهادت دادن نداشته و علی‌رغم وضوح این امر و اعتراض مقامات رسمی کشورمان، دادگاه رأی خود را بر پایه شهادت وی استوار می‌کند.

**«شاهد سی» بارها از سوی جمهوری اسلامی ایران «جرح» گردید و رسماً اعلام شد که وی فردی با سوابق سوء کفوری است.**

جالب اینکه منابع منصف در آلمان از جمله اشتاین باخ، رئیس انستیتوی شرق‌شناسی آلمان اظهار می‌دارد، چگونه ممکن است کسی که پانزده سال در خارج از کشور بسر برده مدعی شود اطلاعات وی موثق است و نیز نشریه آگمانیه پس از ذکر سوابقی از بنی صدر خود او را تروریست می‌شمارد و حتی منافقین حضور او را در دادگاه یک نمایش خواندند و گفتند که او می‌خواهد از نتایج دادگاه به سود خود و برای زنده کردن جسد سیاسی خود استفاده کند. از سوی دیگر تناقض‌گوییهای متعدد وی در دادگاه، سخنان وی را نیز از اعتبار

ساقط ساخت؛ ولیکن علی‌رغم همه این موارد مطبوعات سخنان وی را هیجان‌انگیز خوانده و به پیروی از این شانتاژهای سیاسی، وزیر خارجه آلمان روابط دیپلماتیک با ایران را به بررسی اظهارات بنی‌صدر مشروط می‌کند.

### سفیر ایران در آلمان نیز بارها در طول مرحله دادرسی تأکید می‌کند کسه مقامات امنیتی کشورمان آمادگی هرگونه همکاری را برای روشن شدن قضایا دارند.

سخنگوی دادگاه برلین در پاسخ به درخواست استرداد بنی‌صدر به عنوان یک متهم فراری، اظهار می‌دارد: «آلمان از نظر قضایی نمی‌تواند بنی‌صدر را به دلیل مصونیت حقوقی شهود! تحویل دهد» و تعجب‌انگیزتر آنکه دادستان اظهارات وی را تنها به دلیل اینکه ارتباط او با داخل قوی است قابل اعتماد دانسته و ضمن تکرار ادعاهایش همه خیانت‌های او را نادیده می‌گیرد و نیز این نکته را فراموش می‌کند که وی نخست یک مجرم است و بعد یک شاهد. اظهارات ساختگی بنی‌صدر آنقدر سست است که سستی آن اذهان مطبوعاتی را معطوف خود می‌کند و وقتی از او می‌پرسند چرا این اطلاعات را قبلاً فاش و ارائه نکرده است! پاسخ می‌دهد: «من می‌خواستم این مدارک را در سال ۹۴ در دادگاه قاتلان بختیار ارائه کنم اما دیر رسیدم! و دادگاه پرونده را مختومه اعلام کرده»، این در حالی است که حضور بنی‌صدر در دادگاه برلین از ماه‌ها پیش تحت شدیدترین تدابیر امنیتی برنامه‌ریزی شده بود و او را از تونل‌های مخفی دادگاه، به دادگاه می‌آوردند. با این وضعیت چگونه است که رسانه‌های غربی این سخن پوچ را باور می‌کنند؟

۱/ب - اظهارات شهود «بی» و «سی» در

مهرماه ۷۵ که از طرف بنی‌صدر ادعا شده اطلاعات موثق و محکمی دارند، چیزی جز تأکید بر ادعاهای بنی‌صدر نبود، بنی‌صدر مدعی شده بود کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته ویژه» عملیات ترور در خارج از کشور را رهبری و اجراء می‌کند که در آن مقامات عالی‌رتبه کشورمان شرکت داشته و تصمیم‌گیری می‌کنند.

نکته جالب اینکه علی‌رغم تضمینی که بنی‌صدر در فاش نشدن نام و اظهارات شهود گرفته بود، از آنجا که غربیها حتی نوکران و جاسوسان خود را با کمال بی‌رحمی فدای مطامع خود می‌کنند، به صورتی غیرمنتظره طی یک بده بستان سیاسی، امنیتی و مطبوعاتی!!! اظهارات و مشخصاتی از شاهد «سی» در اشنیگل به چاپ می‌رسد و این امر خود موجب جنجال شده و دادگاه را دچار اختلال می‌کند تا جایی که جر و بحث شدیدی در می‌گیرد.

مصباحی موسوم به «شاهد سی» یک مجرم فراری است که مدتها به خاطر جرائم کلان مالی و سرقت در کشورمان ممنوع‌الخروج بوده و پس از فرار از کشور با توجه به روابطی که بنی‌صدر با سازمانهای جاسوسی داشته در اختیار سرویسهای اطلاعاتی امریکا، انگلیس و فرانسه قرار گرفته و برای جریان دادگاه مستقیماً به برلین فرستاده می‌شود. هویت واقعی این شاهد که طی چهار جلسه محرمانه شهادتش استماع می‌شود به دادگاه اعلام می‌شود، و دادگاه هم به دلایل رد شاهد، هیچ ترتیب اثری نداده و حکم را بر پایه شهادت این شهود استوار می‌کند.

در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که حتی اگر به محتوای شهادت شهود نیز اشاره می‌شد، سستی ادعاهای روشن می‌گردید زیرا شاهدان حتی از یک صحنه‌سازی و داستان‌نگاری واقع‌نما و قابل باور ناتوان

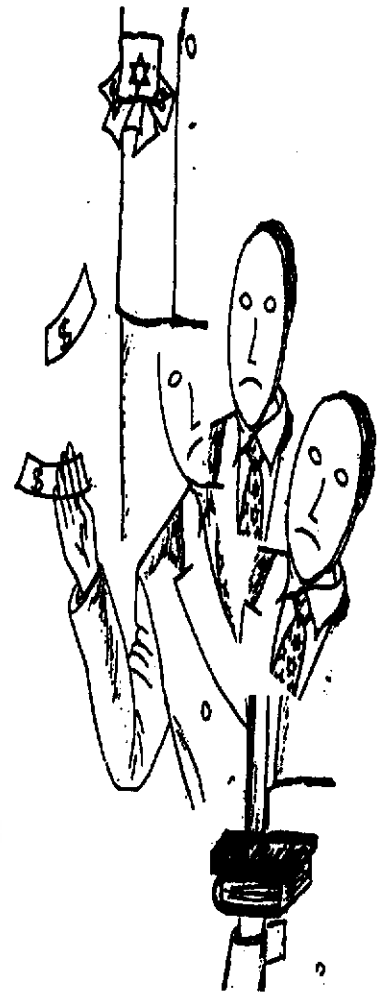
بوده‌اند. کدام منطق و فکر درستی است که بتواند باور کند سر به نیست کردن و ترور مخالفان، آن هم کردهای معارضی که در طبقه‌بندی معارضین نظام در خارج از کشور در اولویت نخست قرار ندارند، با دستور مستقیم شورایی مرکب از مقاماتی صورت می‌گیرد که از بالاترین ارکان و مقامات نظام و کشور تشکیل شده است. آنها که در داخل کشورند بهتر می‌دانند که چنین مسایلی برای نظام باثبات و استوار جمهوری اسلامی ایران حتی به عنوان مسائل دست‌چندم هم تلقی نمی‌شود تا چه رسد که شورایی مرکب از مقامات بلند پایه از جمله مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری روی آن بحث کرده و به ادعای بنی‌صدر، دستور کتبی صادر کنند!!!

از طرف دیگر اظهارات متناقضی در گفتار بنی‌صدر بود که این دسیسه تنظیم شده را لو می‌داد. به عنوان نمونه وی در مصاحبه‌های متعدد و هنگام شهادت در دادگاه، افرادی را گاه به عنوان معاون جرم، گاه دستیار اطلاعاتی و گاه

از تاریخ ۷۵/۵/۳۱ و با سلاکات مسخرمانه بنی‌صدر با دادستان آلمان، هدف اتهامات به گونه‌ای عجیب تغییر می‌کند و... نشانه مقامات عالی‌رتبه کشورمان مطرح می‌شود که تا آن زمان در هیچ اعلام رسمی مقامات قضایی آلمان مطرح نبوده است.

مباشر ذکر می‌کند؛ و آنقدر نابخردی می‌کند که بسیاری از گفتارهای خود را به دوران حضور خودش در ایران مستند می‌کند که بر رأس قدرت بوده است و در جایی دیگر وقتی از هواپیما ربایی وی سؤال می‌شود آنقدر کودن است که پاسخ می‌دهد: «آن هواپیما نظامی بود و به کسی هم کوچکترین آسیبی وارد نشد و این مسأله دیگر کهنه شده است!!» گویا که «کهنگی

مسأله و «آسیب نرسیدن به کسی» جرم محرز بین‌المللی هواپیمارایی را امحاء می‌کند.<sup>(۳)</sup>



نکته دیگر اینکه آیا می‌شود اتهامی با این گستردگی که همه جهان را به واکنش وامی‌دارد به اظهارات چند تن معارض نظام مستند کرد یا نه؟ این نکته‌ای است که فقط داستان سربازان دادگاه برلین می‌توانند به آن پاسخ دهند و اذهان بی‌غرض و منصف جهان را انگشت به دهان بگذارند. روشن است که هر کشوری می‌تواند مخالفانی در کشورهای دیگر داشته باشد که حاضر باشند در دادگاه حاضر شوند و علیه کشور متبوعشان مورد سوء استفاده قرار گیرند و اگر این رویه در کشورهای دیگر تکرار شود باید چوب حراج را به همه قواعد جهانی و مقررات حقوق بین‌الملل زد و همه دانشکده‌های حقوق را تعطیل کرد.

۲- علی‌رغم ادعاهای مکرری که

دادستانی و دادگاه آلمان مبنی بر در اختیار داشتن مدارکی دال بر دست داشتن تهران در ماجرای ترور رستوران میکونوس بیان می‌داشتند، در سیر چند ساله دادگاه بجز تکرار اتهامات پوچ شاهدان، هیچ مدرک دیگری ارائه نشده و حتی در شرح حکم و بیانیه مطبوعاتی نیز هیچ اشاره‌ای به این مدارک نگردیده و در حقیقت دادنامه و شرح آن تنها به صورت یک ادعای نام و در قالب یک داستان جنایی تنظیم شده است.

۳- متهمان بخصوص متهم اول و دوم در طول دوره رسیدگی، مستمراً منکر جرم خود و ارتباط خود با جمهوری اسلامی ایران بوده و آنرا یک اتهام واهی می‌دانستند. یکی از آنها در آخرین دفاع می‌گوید: «من هیچگاه، هیچگاه، هیچگاه کسی را نکشته‌ام» و حتی وقتی برای یکی از آنان توسط وکیل مدافع خود به عنوان یک شیعه متعصب مذهبی که ناچار بوده اوامر بالا را اجراء کند درخواست تخفیف مجازات و بخشودگی می‌شود، پرخاشگرانه اظهار می‌دارد: «وکیل مدافع چنان پرخورد کرده که انگار از قبل محکوم شده‌ام». متهمان همچنین در پایان دوره رسیدگی، سکوت سه ساله خود را شکستند و یکبار دیگر در دفاعیه‌ای ۲۷ صفحه‌ای از تباط خود را با ایران نفی کردند. با این وجود دادگاه برلین رأی از پیش تعیین شده خود را صادر می‌کند.

در طول رسیدگی دادگاه وقایعی نیز رخ می‌دهد که بیانگر فساد مقامات رسیدگی‌کننده و حرکات غیرحقوقی و غیرانسانی است؛ از جمله اینکه به گفته وکیل «دارابی»، متهم ردیف اول، دادستان آلمان با یکی از متهمان بر علیه دارابی دست به یک معامله و تثنای زد، که بر این اساس دادستان نیز بر جایگاه بازجویی قرار گرفت و از وی بازجویی به عمل آمد.

۴- سرانجام در تاریخ ۷۵/۸/۲۲

کیفرخواست دادستان برلین که ضمن آن اتهامات بسیاری به دولت و مقامات کشورمان وارد آمد، قرائت شد. متن کیفرخواست و نیز شرح رأی صادره مورخ ۷۶/۱/۲۱ و بیانیه مطبوعاتی دادگاه برلین خود یکی از محکمترین دلایل واهی بودن جریان دادرسی میکونوس است. در حقیقت باید گفت این ادعای نام‌ها به گونه‌ای تنظیم شده که اگر هیچ دلیل دیگری بر فقدان ارزش حقوقی رأی و بطلان ادعای دادستان و شهود وجود نداشت، متن این اسناد خود قوی‌ترین دلیل بر این امر بود. این متون عجیب با جهت‌گیری خاصی که دارد در پیشینه حقوق بین‌المللی بی‌سابقه است و نقطه سیاهی بر روند رسیدگی به یک دعوی قضائی است که آلمان اداره‌کننده آن می‌باشد. این اسناد به یک بیانیه خشم‌آلود سیاسی نزدیک‌تر است تا به یک حکم و بیانیه قضائی و کیفری. در این متون از ادبیات حقوقی خبری نیست و جالب است بدانیم که زمینه آن توسط مطبوعات مغرض قبلاً ایجاد شده بود. یکی از تحلیل‌گران مطبوعاتی ادر آستانه صدور رأی توصیه می‌کند که قضات در رأی از ادبیات حقوقی و بکار بردن الفاظ و اصطلاحات حقوقی جداً پرهیز کنند تا برای همه جهان محکومیت یک دولت تروریسم! روشن‌تر بیان شده باشد، و دادرسان چه خوب این توصیه را به گوش می‌سپارند. کاربرد الفاظی زشت و تند و عباراتی غرض‌آلود چون «نابینایی مذهبی»، «ماشین کشتار»، «پست فطرتی»، «تروریسم دولتی» و «اسانه ادب» به رهبران عالی‌رتبه یک کشور چه معنایی جز اعلام کینه سیاسی نسبت به یک ملت می‌تواند داشته باشد؟ «آدمکشی» «بی‌احترامی به حقوق انسانی» و «عدم قبول حق حیات برای مخالفان» عباراتی است که در شرح رأی صادره آمده، درحالی‌که برای یک سند حقوقی ایراد این عبارات هیچ لزومی نداشته و تنها بیانگر تأثیر عوامل بیرونی و سیاسی است.

«آدمکنشی»، «بی احترامی به حقوق انسانی»، و «عدم قبول حقیقت حیات برای مخالفان» عباراتی است که در شرح رأی صادره آمده، درحالی‌که برای بکت سند حقوقی ایوان این عبارات تنها بابت تأثیر عوامل بیرونی و سیاسی است.

آنچنان که ادعا می‌شود بسیاری از این اطلاعات از شواهد و مدارک بدست آمده چرا تا زمان شروع محاکمه در جایی بدان اشاره نشده است؟

### ج - زمینه‌های سیاسی موجود (انگیزه‌های سیاسی)

موارد فوق برای اثبات ادعای ما مبنی بر سیاسی بودن حکم صادره و فقدان دلایل پسندیده حقوقی که در ابتدای این گفتار آوردیم کافی است. اکنون می‌توانیم بگوییم که تصمیم دادگاه و زمینه‌سازی‌های چند ساله آن بی تناسب با فضا و جو سیاسی موجود نبوده است و به همین دلیل باید آنرا یک انتقام جویی سیاسی تعبیر کرد. وقایع و رخداد‌های پیرامون و زمینه‌های سیاسی در مقطع زمانی که دادگاه ضمن آن وارد دادرسی شد، بسیار روشن کننده است:

۱- به فاصله چند روز پس از شکست اجلاس شرم‌الشیخ در مصر که پیش بینی شده بود ایران ضمن آن به تروریسم محکوم شود، (اما جریان اجلاس به گونه‌ای مقابل با اراده صهیونیست‌ها تغییر جهت داد) قضیه میکونوس مطرح می‌شود. در این مورد، هائیش سخنگوی دادستانی آلمان دست‌پاچگی می‌کند و ارتباط بین میکونوس و اجلاس شرم‌الشیخ را انکار می‌نماید.

۲- چندی قبل از جریان دادرسی دو قانون اختصاصی علیه کشورمان به تصویب رسیده بود. یکی «قانون اعطای کمک ۲۰ میلیون دلاری به مخالفان نظام اسلامی» به انگیزه مبارزه با تروریسم جهانی!! و دیگری «قانون داماتو» و اعمال تحریم‌های بیشتر از سوی امریکاییها. در طول جریان دادگاه نیز فشار امریکا بر اروپائیا ادامه داشت. سفرهای نماینده امریکا به کشورهای اتحادیه اروپا به منظور فشار آوردن به ایران و اعلام اینکه جاسوسانی از سازمان سیا

بشماری که در جریان دادرسی و صدور رأی و متن رأی وجود داشت، با آگاهی به نبود دلیل متقن و محکمه پسند برای محکومیت مقامات کشور و دولت ایران و برای آنکه تظاهر به دقت در بررسی و تحقیق و رسیدگی کرده باشد، مکارانه دست به چند اقدام پوششی زد. به عنوان نمونه در جریان دادرسی وکیل مدافع یکی از متهمان اظهار می‌دارد که موکلش یک شیعه متعصب مذهبی است و از آنجا که در اسلام حکم یک رهبر مذهبی برای او لازم الاجراء بوده، دست به اقدام قتل زده است و در حقیقت در این اقدام تحت تأثیر یک عامل روحی خارجی الزام آور بوده است. دادگاه در این خصوص نظرات دو کارشناس را استماع می‌کند: کارشناس مسائل اسلامی و کارشناس روان‌شناسی. کارشناس اول بررسی می‌کند که آیا در اینگونه موارد در اسلام دستور قتل وجود دارد یا نه؟ و در صورت وجود آیا لازم‌الاجراء است یا نه؟ و کارشناس روان‌شناس برای بررسی این که آیا متهم تعصب دینی داشته یا خیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. جالب آنکه کارشناس اول می‌گوید، در دستورات اسلامی دستور قتل واجب‌الاطاعه‌ای سراغ ندارد و کارشناس روان‌شناس نیز متهم را فاقد تعصب مذهبی می‌شمارد. جالب است که بهره‌مندی از نظریه‌های کارشناسی!! در شرح رأی منعکس شده است. از سوی دیگر داستانی پلیسی، امنیتی به سبکی ویژه در شرح رأی و بیانیه مطبوعاتی تنظیم می‌شود و چنان به زوایای عمیق ماجرا پرداخته می‌شود که معلوم نیست اولاً مستند این اطلاعات چیست؟ و ثانیاً اگر

از سوی دیگر بیانیه مطبوعاتی دادگاه که پس از رأی و شرح رأی صادر و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد، تلویحاً نبود دلایل موجه و مستقیم حکم را ادعان داشته و می‌افزاید، دادگاه برای رسیدن به انگیزه متهمان مجبور بود به فضای بیرون حادثه و جرم بپردازد و خود را محدود نکند. قاضی در شرح رأی با تأکید بر اظهارات واهی شهود، نام رهبران عالی‌رتبه مذهبی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان اعضاء اصلی «کمیته ویژه» عملیات ذکر کرده و برای آنکه رأی خود را موجه جلوه دهد مفصلاً به سوابق به اصطلاح مبارزات کردها در ایران اشاره می‌کند و در شرح رأی به سیستم سیاسی ایران پرداخته و با ذکر جریان قتل مخالفان دیگر در خارج از کشور و نسبت دادن آن به نظام اسلامی ایران، در حقیقت علیه یک دولت حکم صادر می‌کند. قاضی حتی برای نشان دادن دقت در رأی اشاراتی به تشکیلات داخلی سیستم امنیتی کرده و نحوه تصمیم‌گیری برای قتل‌ها را شرح می‌دهد که بدون کم و کاست تکرار سخنان شهود معاند است؛ و چنان تظاهر می‌کند که اطلاعات مربوط به متهمان را تا زمان بازگشت به ایران در اختیار دارد. به عنوان مثال در شرح آمده، یکی از متهمان در ایران به پاداش عمل ترور خود، یک بنز دریافت کرده است!!! البته دادگاه برای دو تن از متهمان مجازات حبس ابد، برای یک تن ۱۱ سال و برای فرد چهارم پنج سال و سه ماه زندان تعیین مقرر می‌کند و فرد پنجم نیز تبرئه می‌شود.

۵- دادگاه برای حبران خلأها و نقایص

در آلمان رفت و آمد کرده‌اند (به نقل از مطبوعات آلمانی) و ابراز رضایتمندی صهیونیست‌ها و امریکا از جریان دادرسی و نتیجه آن، همه و همه حاکی از فشار اسرائیل و امریکا بر دولت آلمان بوده است.

**به گفته ریاست محترم جمهور، انگلیسی‌ها از قبل نتیجه رأی را می‌دانسته و گفته بودند که نتیجه رأی محکومیت ایران است.**

۳- به گفته ریاست محترم جمهور (در خطبه‌های نماز جمعه ۷۶/۱/۲۲)، انگلیسی‌ها از قبل نتیجه رأی را می‌دانسته و گفته بودند که نتیجه رأی محکومیت ایران است.

۴- سخنگوی دادستان آلمان می‌گوید: «حکم بازداشت وزیر اطلاعات ایران محدود به خاک آلمان می‌شود و حتی اگر وزیر اطلاعات ایران هم به آنجا سفر کند به دلیل مصونیت سیاسی قابل اجراء نیست». این گفته بیانگر آن است که آگاهی به عدم ضمانت اجرای این حکم دادرسی را از جریان عدالت خواهی خارج نموده و مقامات قضائی تنها چشم به تبعات سیاسی آن داشته‌اند.

۵- به گمان ما، آلمانی‌ها که سایه شکست را در این مقطع بر روند صلح خاورمیانه گسترده می‌دیدند با فشار امریکائیا و صهیونیست‌ها خواستند تا انتقام این شکست را از کشوری مدافع حقوق حقه مردم فلسطین بگیرند. این گفته کینکل وزیر خارجه آلمان را در پایان اجلاس وزیران خارجه اتحادیه اروپا بخوانید: «تهران باید معلوم کند که از جنبشهای تروریستی خاورمیانه حمایت نمی‌کند و روی حزب... لبنان تأثیرات متعادل‌کننده‌ای داشته باشد و به صراحت در مقابل روند صلح موضع مثبتی پیش گیرد و خودگردانی فلسطینی‌ها را به

رسمیت بشناسد». لازم به ذکر است که مقامات امریکایی و اسرائیلی طی جریان دادگاه، رسماً و مکرراً درخواست قطع رابطه آلمان با ایران را مطرح کرده بودند.

درخواست پارلمان آلمان از وزیر خارجه این کشور مبنی بر لغو سفر وزیر خارجه کشورمان به آلمان جهت شرکت در کنفرانس غرب و جهان اسلامی که نهایتاً منجر به لغو اصل کنفرانس از سوی وزیر خارجه آلمان شد، به بهانه آنکه رئیس جمهور کشورمان ترور «رابین» را انتقام الهی خوانده بود صورت گرفت.

۶- فضای بیش از حد باز و نامتعارفی که بخش امنیتی و قضائی آلمان برای مخالفان به

**این رأی در دادگاه کشوری صادر می‌شد که لاقبل بسی تعهدی و جرم او در دو مورد برای مردم کشور ما محرز بود.**

ویژه بنی صدر و منافقین ایجاد کرده بودند، جو سیاسی اطراف دادگاه و جریان دادرسی راکه لازمه صدور یک رأی سیاسی است آماده ساخته بود. این فضا برای تحرک مخالفان آن چنان مستعد می‌شود که بنی صدر بارها مقامات دولتی آلمان (از جمله هلموت کهل - وزیر خارجه - اشمیت پاور و دیگر مقامات دولتی) را توییح و سرزنش کرده و مورد تهمت قرار می‌دهد!! البته این ادعاهای مکرر، وسیع و هماهنگ شده با سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی آلمان در حالتی طبیعی از یک تبعه خارجی، علیه مقامات بعید بوده و یقیناً با یک برنامه‌ریزی هماهنگ قبلی صورت گرفته است (ملاقات محرمانه بنی صدر و دادستان آلمان در این زمینه قابل توجه است) و به همین جهت تدابیر امنیتی شدیدی برای حفاظت از او تا

پایان جریان دادگاه اعمال شد.

۷- اختلاف اتحادیه اروپا در جریان دادرسی و اتخاذ مواضع متفاوت، حتی پس از اعلام رأی، بیانگر سیاسی بودن حکم است، چراکه اگر دلایل و مستندات رأی روند سالم حقوقی را پیموده بود، جای شبهه‌ای برای اعضاء باقی نمی‌گذاشت. شایان ذکر است که کشورهایی چون یونان، ایتالیا و فرانسه موضعی معقول‌تر و دانمارک، نروژ، لوکزامبورگ، آلمان و انگلیس موضعی سخت‌تر و همسو با امریکا اتخاذ کردند.

۸- در جریان دادگاه به یکباره جوسازی‌های وسیعی علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. این جوسازی‌ها و شایعات حرکتی هماهنگ و توطئه آمیز بود تا بلکه به ظاهر نتیجه دادرسی را مستند و موجه جلوه دهد. امریکاییها ادعای دست داشتن جمهوری اسلامی ایران در انفجار ظهران عربستان را به استناد ادعاهای یک فرد دستگیر شده مطرح کردند، همچنین شایعاتی در مورد خرید مواد اتمی از طریق دلان توسط جمهوری اسلامی ایران و محاکمه یک دلال اسرائیلی به جرم فروش تجهیزات شیمیایی به ایران و به جریان انداختن بعضی قتل‌های

**بیابیه مطبوعاتی دادگاه که پس از رأی و شرح رأی صادر و در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد، تلویحاً نبود دلایل موجه و مستقیم حکم را اذعان داشت.**

سیاسی گذشته در خارج از کشور، فضای بیرونی رأی صادره را آماده کرده و بیانگر انتقام‌جویی سیاسی صهیونیست‌ها بود.

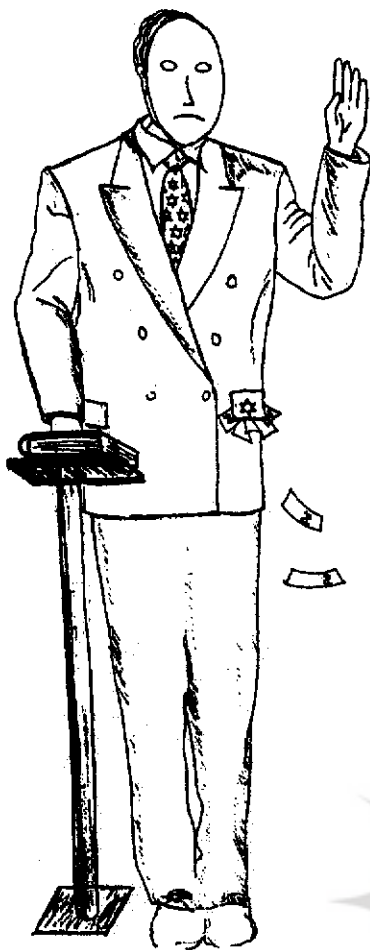
التهای این رأی در دادگاه کشوری صادر می‌شد که لاقبل بی‌تعهدی و جرم او در دو مورد



برای مردم کشور ما محرز بود. در جریان جنگ تحمیلی بیش از ۲۵ هزار سرباز ایرانی و ۶۵ هزار غیر نظامی (از جمله بسیاری از اکراد) توسط بمب‌های شیمیایی دهها شرکت آلمانی مجروح شدند که تنها به انگیزه پر کردن حسابهای بانکی خود در اختیار عراق گذاشته شده بود و سازمانهای اطلاعاتی امریکا نیز در ۱۳۶۷/۱۹۸۸ بر این امر صحنه گذاشتند. همچنین عدم ایفای تعهد آلمانها در قرارداد شرکت زیمنس مسأله ای قابل اغماض نبوده و نیست که هر دو مسأله می‌توانست بطور جدی از سوی مقامات قضائی کشورمان دنبال شود.

از سوی دیگر وقایعی که پس از صدور رأی رخ داد کمتر از جریان دادرسی افشاگر نبود. ترک تهران توسط سفیران اروپایی (بجز یونان) و صدور بیانیه اهانت آمیز ۷۶/۴/۹ شورای وزرای خارجه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ و تصمیم به بازگشت ناگهانی سفیران (البته به انگیزه از دست ندادن منافع خود در ایران)، همه و همه از پشت پرده جریان می‌کونوس حکایت می‌کرد. در بیانیه شورا به تعبیر رهبر معظم انقلاب، به صورتی وقیحانه پس از درخواست‌ها و توصیه‌های متعدد اهانت آمیز، از قبیل تعهد به عدم خرید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی و احترام به حقوق بشر و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، عدم حمایت از تروریسم و نیز تعلیق سفرهای دو جانبه و عدم اعطای روادید به مأموران اطلاعاتی و تأکید بر بیانیه ۷۶/۱/۲۱ ریاست اتحادیه (پس از صدور رأی) تنها و تنها به دلیل حفظ منافع مادی، بر ادامه روابط سازنده با ایران تأکید شده و هیچ اشاره‌ای به اعمال محدودیت در روابط اقتصادی نشده است. در حقیقت جریان نزدیک به چهار ساله می‌کونوس و بویژه رأی صادره و بیانیه شورای وزیران اتحادیه اروپا، مسائل و مواضع تحقیرکننده‌ای

بود که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی جز با کلمه «وقیحانه» قابل توضیح و تفسیر نبوده و تنها با موضع‌گیری صریح و قاطع معظم‌له در تاریخ ۷۶/۲/۱۰ که فرمودند: «از آمدن سفیر آلمان در ایران فعلاً جلوگیری شود و سفیران جمهوری اسلامی ایران در اروپا هم نباید در بازگشت عجله کنند»، جبران شد. این تصمیم چنان ضربه محکم، قاطع و گیج‌کننده‌ای به دیپلماسی غرب وارد ساخت که عبارات «باید خون سرد باشیم»، «ما متحیریم»، «به بعد از انتخابات می‌نگریم»، «نباید عصبانی شویم»، «ما سفیرانمان را به تهران تحمیل نمی‌کنیم»، «تصمیم به بازگشت سفیران زود و عجولانه بود»، «تصمیم براساس یک تحلیل غلط بود»، «ناپاورانه بود»، «گیج‌کننده بود» و «غیرمنتظره بود» از جمله عباراتی بود که از دهها دهان، قلم و رسانه رسمی و غیررسمی غربی به کزات شنیده شد و همه هیمنه پوچ غرب را در برابر یک ملت مقاوم، شکست و خوار کرد و غرور ملتی را به پاداش خداخواهی و حق‌باوری باز بخشید.



## مقام معظم رهبری: «از آمدن سفیر آلمان در ایران فعلاً جلوگیری شود و سفیران جمهوری اسلامی ایران در اروپا هم نباید در بازگشت عجله کنند».

### پی‌نوشت:

- ۱- برای زمینه‌های جدید در حقوق بین‌الملل ر.ک. به حقوق بین‌المللی نوشته ملک شاد ترجمه محمد حسین وقار - فصل پانزدهم.
- ۲- ماده ۲۵ مقرر می‌دارد: «و قاعد کلی حقوق بین‌الملل عمومی جزء لاینفکی از قوانین فدرال است این قواعد بر قوانین داخلی اولویت داشته و برای ساکنان سرزمین فدرال ایجاد حقوق و وظایف می‌کند».
- ۳- برای موضوع جرایم مربوط به هواپیمارمایی ر.ک. کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو و کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه و کنوانسیون ۱۹۱۸ مونترال.